

مدونہ می تبلیغی با موضوع:
«شہادت فرزند اور»



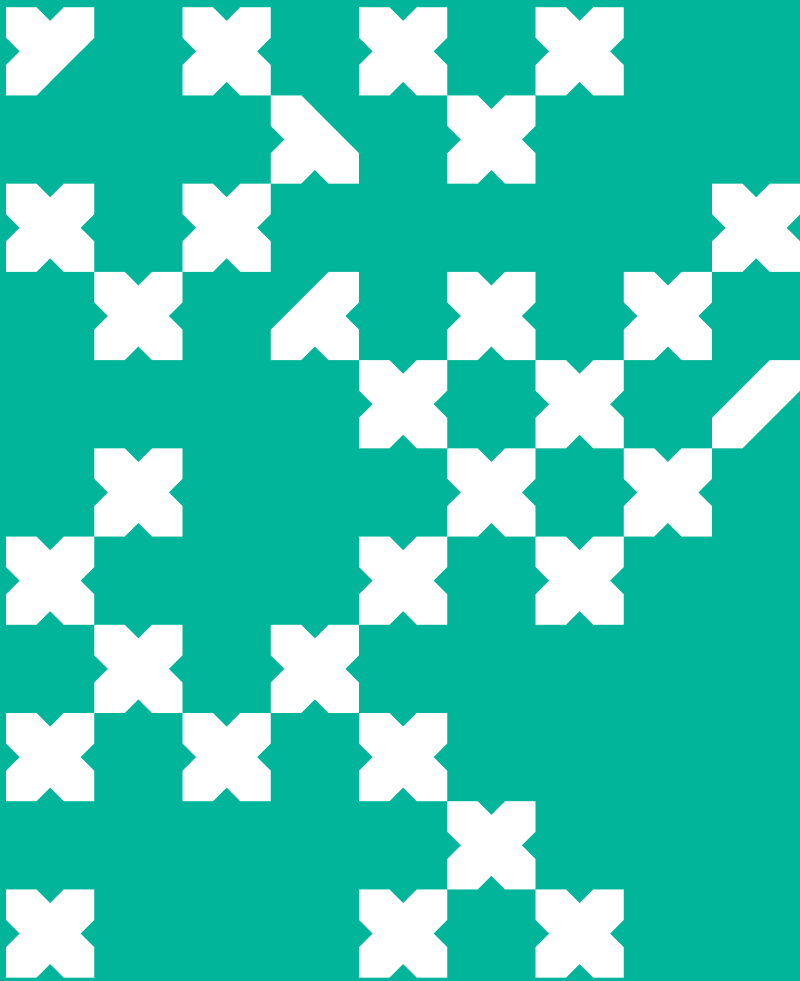
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدونہ تبلیغی با موضوع:
»شہادت فرزند اور«



علی ابوترابی





مجلس اول

بحران عمیق جمعیتی؛ واقعیت یا اغراق؟

اثرگذاری شبهات در ذهن جامعه

شبهه‌ی ضرورت پختگی زوج‌ها برای آمادگی جهت فرزندآوری

ترس از طلاق؛ مانع از فرزندآوری



مقدمه

در این مباحث به پاسخ برخی شبهات رایج در زمینه‌ی فرزندآوری می‌پردازیم تا فعالان اجتماعی در این زمینه بهتر بتوانند در اقناع افکار عمومی نقش‌آفرینی کنند.



بحران عمیق جمعیتی؛ واقعیت یا اغراق؟

اجماع جمعیت‌شناسان جهان بر بحران جمعیتی ایران

گروه‌های جمعیت‌شناسی خارجی (اعم از جمعیت‌شناسان علمی، نهادهای زیر نظر سازمان ملل و سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی کشورهای معاند) اذعان دارند که بحران جمعیتی ایران بی‌سابقه‌ترین بحران جمعیتی در قیاس با همه‌ی کشورها و زمان‌هاست. یکی از شاخص‌های بی‌سابقه بودن، سقوط جمعیتی در فاصله‌ی زمانی کوتاه است به طوری که ایران به سطح جایگزینی رسیده است. یعنی برای جایگزینی والدین (که دو نفرند) در نسل بعدی (با احتساب ۰٫۲ سهم حوادث) باید به تعداد ۲٫۲ فرزندآوری صورت بگیرد تا ثبات جمعیتی باقی بماند؛ تا وقتی این پدر و مادر از دنیا رفتند، دو فرزند به جای ایشان باقی بماند. این در حالی است که نرخ باروری در ایران حدود ۱٫۶ تا ۱٫۷ است. جمعیت‌شناسان با انگیزه‌های سیاسی، با ابراز خرسندی و شگفتی (که چطور این وضعیت اسفبار جمعیتی شکل گرفته) به این مسئله اشاره می‌کنند.

البته این شبهه قوی نیست. عده‌ی خیلی به جهت اینکه حساسیت به وجود آمده در موضوع جمعیت را دیدند و احتمال دادند که





مردم به آن توجه کنند و در اثر تنبه ایجاد شده، در صد جبران برآیند، گفتند که آمارهای ارائه شده در این زمینه، علمی نیست! اما به قدری این شبهه ضعیف بود که جرأت نکردند در آن خدشه وارد کنند؛ چراکه برای خودشان افت علمی محسوب میشد.

مشاهدات اجتماعی در زمین کاهش فرزندآوری

شاهد دیگری که برای این مسئله وجود دارد، مشاهدات اجتماعی است. وقتی به خانواده‌های اطراف خودمان نگاه کنیم، بسیاری از آنها یا فرزند ندارند یا کم فرزند دارند. به ندرت خانواده‌هایی یافت می‌شوند که سه فرزند داشته باشند. این نکته حائز اهمیت است که در کاهش جمعیت، صرفاً افراد متأهل ملاک نیستند؛ بلکه افزایش افراد مجرد (عدم ازدواج طبقه‌ی وسیعی از جامعه) هم باعث کاهش نرخ زاد و ولد می‌شود. این امر نشان‌دهنده‌ی یک بحران جمعیتی در ایران است.

نگاه از زاویه‌ی دیگر، نشان می‌دهد اوضاع بدتر این هم هست. نرخ میانگین ۱٫۷ فرزندآوری به این معنی است که باروری هر خانم ایرانی در طول حیات به دو فرزند هم نمی‌رسد. برای یک ارزیابی واقعی، اگر تعدادی مادر (مثلاً صد نفر) همراه با صد و هفتاد بچه را در سالنی جمع کنیم، مشخص می‌شود که برخی زنان چهار فرزند دارند و برخی فرزند ندارند. در واقع دو گروه از زنان (در استان‌های مرزی و استان‌های مرکزی) هستند که توزیع تعداد فرزند بین آنها بسیار متفاوت است. به خصوص این امر در مرزهای شرقی و جنوب شرقی بیشتر قابل مشاهده است. برای مثال بیشترین نرخ رشد جمعیت



(با سرعت سه برابر) در جنوب شرقی کشور ما مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. بنابراین در همان سالنی که مثال زده شد، اگر به مادران استان های مرزی شرق کشور سه فرزند برسد، به استان های دیگر تعداد بسیار کمی خواهد رسید. این پراکنش مکانی (واریانس مکانی) است. برای روشن تر شدن مطلب، باید توجه کرد که در بهترین و خوش بینانه ترین شرایط، نرخ باروری در استان های مرکزی (غیر مرزی) ۱/۱ است؛ یعنی یک بچه در طول عمر! نرخ ۱/۱ نسبت به نرخ جایگزینی ۲/۲ پنجاه درصد (نصف) است. در واقع یک گذر نسلی در بعضی استان ها، کشور را به نصف شدن جمعیت می برد.

پراکنش زمانی

نکته ی دوم پراکنش یا واریانس زمانی است. بدین معنی که زنان جمع شده در سالن مذکور در رده های مختلف سنی هستند. بعضی چهل تا پنجاه سال و بعضی سی تا چهل سال و برخی بیست تا سی سال سن دارند.

زنانی که حدود پنجاه سال سن دارند، در حالی در آغاز دهه ی هفتاد ازدواج کردند که نرخ باروری کل برای آنها حدود ۳/۷ (نزدیک ۴) است. با توجه به میانگین ۱/۷ در کل مادران و فرزندآوری حدود ۳ فرزند در مقطع اشاره شده، مشخص می شود کسانی که در دهه ی هشتاد و نود ازدواج کرده اند، سهم بسیار کمتری در فرزندآوری دارند و با دقت بیشتر می توان فهمید که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از خانواده ها اصلاً فرزند ندارند!

بنابراین عدد میانگین ۱/۶ یا ۱/۷ همیشه نمی تواند آمار درستی ارائه کند و شرایط بدتر چیزی است که از میانگین دریافت می شود. البته این بحران به معنی نا امیدی نیست. می توان طوری اقدام کرد که تا حدی این بحران جبران شود.



پنجره جمعیتی

در زمینه ی واقعیات آماری، شبهه ای وجود دارد که گفته می شود ما در فاز طلایی (گلدن فاز یا پنجره ی جمعیتی) هستیم. یکی از جمعیت شناسان گفته بود که وقتی در شرایط عروسی جمعیتی هستید، چرا عزا گرفتید؟

پنجره ی جمعیتی یعنی بین ۶۵ تا ۷۰ درصد افراد جامعه در سن ۱۵ تا ۶۵ سال (سن کار تا بازنشستگی) باشند. این شرایط در حال حاضر در کشور ما حاکم است. بعضی از این شرایط اینطور برداشت می کنند که نباید نگران پیری جمعیت بود!

مهم ترین نکته در مورد پنجره ی جمعیتی این است که بازه ای حدود ۴۵ سال را دربرمی گیرد. باید دید که تراکم جمعیت به شکل متقارن در این بازه توزیع شده است یا نه؟

برای پاسخ به این سؤال اولاً باید توجه داشت که هرم جمعیتی باید به شکل هرم باشد. یک هرم قاعده ی بزرگتر و پهن تری دارد. بدین معنی که توزیع جمعیت در جامعه ی استاندارد باید به گونه ای باشد که تعداد افراد با سنین پایین تر (کودک، نوجوان و جوان) بیشتر از کهنسالان باشد. اگر شکل هرم تغییر کند (معکوس حالت قبل) وضعیت جامعه به طرف خطر حرکت می کند. کشور ما در پنجره ی جمعیتی توزیعی نامتقارن دارد؛ یعنی جامعه به سرعت به طرف پیری حرکت می کند. در توزیع جمعیتی هرم، اکثر جمعیت در سنین بعد از نوجوانی متمرکز شده است.

نکته ی دوم این است که در تغییر مقطع سنی از حدود ۴۰، ۳۰ و ۲۰ ساله به سنین نوجوانی، به طور ناگهانی این جمعیت فوق العاده لاغر می شود. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ نرخ موالید ۴۵۰ درصد سقوط داشته است! یعنی از نرخ ۶٫۲ به ۱٫۷ رسیده است. با ادامه ی این شرایط، جمعیت به یک چهارم و یک پنجم می رسد. بنابراین پنجره



جمعیتی در کشور
بافت پیری دارد و جوان
نیست. فلذا شرایط
خطرناکی حاکم است.

نکته‌ی سوم این است
که پنجره‌ی جمعیتی در
ایران در قیاس با دیگر

کشورها، (به عنوان یک موضوع استثنایی در تاریخ) فوق العاده
سریع می‌گذرد. شبیه فصل بهار در شهر قم که سریع می‌گذرد و
وارد فصل گرما می‌شود. پنجره‌ی جمعیتی در ایران به دلیل همان
سقوط نرخ موالید خیلی سریع بسته خواهد شد.

نکته‌ی چهارم این است که پنجره‌ی جمعیتی دو کاربرد دارد:

■ کاربرد اقتصادی

■ کاربرد مولد بودن

در زمینه‌ی اقتصادی، افراد از ۱۵ تا ۶۰ سال مشغول به کار هستند
(به عنوان مولد سرمایه، مدیر اقتصادی، کارگر و...). اما در زمینه‌ی
مولد بودن قضیه به این شکل نیست. یعنی خانمی که در سن ۴۷
سالگی قرار دارد، مولد نیست؛ فارغ از این که زنان حدود ۴۵ سالگی
(و مردان در سنین بالاتر) وارد یائسگی می‌شوند. اما نمونه‌های
آماري در ایران نشان می‌دهد که زنان از حدود ۳۷ و ۳۸ سالگی به
بعد بچه نمی‌آورند. از طرف دیگر تبلیغات دو دهه‌ی گذشته باعث
شده که اگر زنانی در سنین ۳۴ و ۳۵ سالگی هم بخواهند بچه‌دار
شوند، در سیاست‌های مدون آنرا هابریسک (خطر بالا) تلقی کنند
که این مطلب را کادر درمان هم به جامعه تلقین می‌کنند.

اینها صفحات متمایز پنجره‌ی جمعیتی در ایران است که
نشان‌دهنده‌ی یک بحران جدی است. بنابراین اینکه گفته شود:



«پانزده سال تا بسته شدن پنجره جمعیتی باقی است» در مورد کاربرد اقتصادی پنجره جمعیتی درست است. اما در زمینه ی مولد بودن جمعیت، حدود چهار، پنج سال بیشتر فرصت نداریم! چراکه جمعیت ایران به سرعت وارد یائسگی می شود. به این معنی که گروهی که از سن مولد بیرون می روند، فوق العاده عظیم اند. به طور مثال اگر در یک سال پانصد هزار نفر وارد سنی شوند که دیگر مولد نیستند، تعداد کسانی که وارد سن مولد بودن (مادر شدن) می شوند صد هزار نفر است!

بنابراین برای تبلیغ فرزندآوری و برون رفت از بحران عظیم جمعیتی و ورود به شرایطی نسبتاً قابل تحمل، چهار پنج سال بیشتر فرصت نداریم.

اثرگذاری شبهات در ذهن جامعه

یک شبهه می تواند چندین ساعت بحث های ترویجی در زمینه ی فرزندآوری را زمین زده و اثر آنرا از بین ببرد. چراکه به لحاظ تأثیرگذاری ذهنی، شبهه وزن بیشتری دارد؛ فلذا به محض اینکه مطرح می شود در ذهن قرار می گیرد. بنابراین لازم است نسبت به موضوعات و شبهات مختلف اشراف داشته باشیم.

شبهه ی ضرورت پختگی زوج ها برای آمادگی جهت فرزندآوری



این شبهه مطرح می شود که جوانانی که تازه ازدواج کرده اند، از هوش اجتماعی خوبی برخوردار نیستند؛ بنابراین در ابتدای ازدواج نباید بچه دار شوند. چون از مسائل زیادی بی اطلاع اند. پس باید به



پختگی برسند و بعد فرزند بیاورند.

پیرامون این شبهه چند نکته حائز اهمیت است:

نکته ی اول: مسائلی که پیرامون تعامل با دیگران (در محیط کار، خانواده، با همسر، فرزندان و ...) مطرح است، اکثراً جنبه ی آموزشی دارد. برای مثال اگر مادری بداند که اگر بر سرِ بچه ی شیرخواره فریاد بزند، او می ترسد و این ترس به شکل پایدار در روح او اثرگذار است، (ولو در سنین بالاتر به یاد نداشته باشد که سرش داد زده اند) این کار را نمی کند؛ (این امر که بوسیله ی احادیث و نظرات علمی هم تأیید شده روی روح فرد اثر می گذارد).

در این مثال، مادر چگونه باید با فرزند برخورد کند؟ داد زدن یا تنبیه بچه ی یک ساله چه اثرات مثبت دارد یا منفی؟ خطرات و آثار زیانبار این کار چیست؟

اینها مباحثی نیست که اگر خانم جوانی که تازه ازدواج کرده آنرا نداند، با گذر زمان و مثلاً بعد گذشت پنج سال خود به خود بداند. این نوع پختگی و رسش، آموزشی است. یعنی فرد در این زمینه باید آموزش ببیند. نکات مختلفی در مورد فرزندآوری و تربیت فرزند از دوران بارداری (و رعایت اصول بهداشتی) گرفته تا دوران شیردهی و ملاحظات هفت سال اول و دوم کودک هست که فرد باید بیاموزد. اتفاقاً وقتی سن بالا می رود، آمادگی فرد برای یادگیری و عمل به آن مطالب در دوران های مختلف، کمتر می شود. نگرانی از اینکه والدین نتوانند نقش خود را به درستی ایفا کنند، بوسیله ی آموزش و رشد عقلی رفع می شود؛ بطوریکه حتی پخته تر از نسل های قبل بتوانند حق و وظیفه ی والدینی را عمل کنند.

نکته ی دوم: یک نوع از رسش، درونی است. یعنی فرد در هر مرحله ای به یک نوع بلوغ، نزج و فهم می رسد. فهم یک بچه ی شانزده ساله با بچه ده ساله متفاوت است. این تغییر ممکن است ناشی از

تغییر مراحل زندگی از کودکی به نوجوانی باشد یا به نحو اکتسابی رقم بخورد. مثلاً کسی که بیشتر به مسافرت می‌رود یا در تعاملات اجتماعی بیشتر حاضر است، پختگی و عقل اجتماعی (ایکیو) بیشتری دارد. بعضی رفتارهای اجتماعی، به شکل ناگهانی و فرصت کم پختگی‌های فراوانی را ایجاد می‌کند. در فرزندآوری (پدر شدن و مادر شدن) هم پختگی زیادی ایجاد می‌شود. یعنی زن به محض اینکه مادر می‌شود، به لحاظ روانی این آمادگی را پیدا می‌کند که نقش مادری را ایفا کند. دو خانم را در نظر بگیرید که هردو حدود ۲۲، ۲۳ ساله هستند و یکی ازدواج کرده و فرزند دارد و دیگری مجرد است و فرزند ندارد. در تعامل با یک کودک،



حتماً خانم اول پخته‌تر عمل می‌کند. در واقع خودِ مادر شدن و طی کردن مراحل از بارداری تا بعد از آن، پختگی ایجاد می‌کند. وقتی فرد در موقف ایفای یک نقش قرار می‌گیرد، برای نقش‌آفرینی بهتر، سعی می‌کند مطالب لازم را فراگیرد (مثلاً وقتی زن، باردار می‌شود نسبت به توجه به

جنین و مسائل بیولوژیک این دوران توجه پیدا می‌کند). خیلی از زمینه‌ها که به صورت واکنش‌های زیست‌شناختی صورت می‌گیرد (مانند ایجاد شیر در سینه‌ی مادر) زمینه‌هایی هم به صورت روانی ایجاد می‌گردد که تأخیر در فرزندآوری، آمادگی در این زمینه را از بین می‌برد.

ترس از طلاق؛ مانع از فرزندآوری

عامل دیگری که در جهت پرهیز از فرزندآوری در سال اول ازدواج مطرح می‌شود، این است که بسیاری از افراد جامعه در سال‌های اولیه‌ی زندگی طلاق می‌گیرند؛ و با توجه به اینکه در صورت طلاق، مادر

مجبور است با بچه به خانه‌ی پدر برود (که قبیح شمرده می‌شود) و از طرف دیگر احساس می‌کند هم بچه بدبخت می‌شود و هم فرصت‌های ازدواج مجدد خودش از بین می‌رود، از فرزندآوری در سال‌های اول دوری می‌کند.



اولاً آمار طلاق ۲۵ درصد از ازدواج‌هاست. ثانیاً توجه به زندگی افرادی که طلاق گرفته‌اند نشان می‌دهد که عوامل خاصی منجر به این امر شده است. خیلی از این افراد

از آموزش‌های ابتدایی (اعم از شناخت روحیات جنس زن و مرد، احادیث وارده پیرامون زندگی، نظام حقوقی، مسائل جنسی و ...) رفتار زوجینی غافل بودند. طلاق دلایلی دارد؛ همانطور که تصادف در جاده‌ها به دلایلی رخ می‌دهد. بعضی هزاران بار به سفر می‌روند و یک تصادف هم ندارند؛ بعضی هم در هر چند دفعه رفت و آمد، برایشان مشکل ایجاد می‌شود. بنابراین می‌توان از زمینه‌های طلاق جلوگیری کرد. خانواده چه فرزند داشته باشند چه نداشته باشند ممکن است دچار طلاق شوند. طلاق یک بلای آسمانی غیر قابل پیش‌بینی نیست که با انتظار چند ساله (مثلاً پنج سال) بتوان یقین کرد که پیش نیامده و نخواهد آمد. با کسب مهارت‌های زندگی (مثل مهارت عاطفی، جنسی، کلامی و ...) زندگی پایدارتر، دلنشین‌تر، جذاب‌تر و شیرین‌تر خواهد شد. از طرف دیگر تقریباً تمام پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی خانواده (در علوم‌ی مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده) نشان می‌دهد که از عوامل تحکیم و تثبیت خانواده، فرزندآوری است و آمار طلاق در خانواده‌های



دارای فرزند پایین تر است.

مطلب بعدی (که مهم است) این است که وحشت از فرزندآوری، خود، باعث ایجاد زمینه های اختلاف می شود. این مسئله در حالات مختلفی می تواند بروز کند:

- یکی از زوجین فرزند می خواهد و دیگری نمی خواهد
- خانواده های زن و شوهر فرزند می خواهند و خودشان نمی خواهند
- خانم به شدت می خواهد و آقا از ترس طلاق نمی خواهد

چنین زمینه هایی، موجب تضاد و تعارض های درونی در خانواده می شود. این خواستن و نخواستن (میل و اجتناب) باعث بروز اختلافات شده و از اضطراب های شخصی شروع شده تا تنش های طرفینی ادامه می یابد. این تنش ها صبر و تحمل را در خانواده کاهش داده و منجر به درگیری هایی می شود و درگیری هم منتج به طلاق می شود.

باید توجه داشت کسانی که از فرزندآوری در سال های نخست وحشت دارند، از رفتارهای موفق جنسی کمی برخوردارند. هراس از فرزندآوری خود را در رفتار جنسی نشان می دهد. رفتار جنسی یک بسته ی رفتاری است شامل جنبه های عاطفی، عشقی، شهوی و فیزیکی می شود. در این بسته مؤلفه های مختلفی وجود دارد که یک رفتار موفق حاصل شود. رفتار موفق جنسی، انگیزه های زندگی، اخلاق خوب، نشاط و آمادگی برای انجام وظایف و رعایت حقوق یکدیگر را بالا می برد. بدیهی است که اگر در روابط ویژه ی همسری زوجین سردی، ضعف، اختلال و اضطراب حاکم باشد، در رفتارهای روزانه ی آنها بی انگیزگی، تحریک پذیری برای پرخاشگری، کم صبری و پایین آمدن تاب آوری را مشاهده می کنید. هرگونه هراس در روابط جنسی، آنرا دچار اختلال و ضعف می کند. روابط جنسی رفتاری ساده و بسیط





نیست. به جهت ترس از بچه (و اینکه شرایط جلوگیری با درصدی خطا همراه است) رابطه‌ی جنسی همراه با اضطراب، لذت کم، حتی بعضاً با خشم زیاد، احساس شکست عدم اعتماد به نفس و پایین آمدن سطح هویت جنسی، عدم اعتماد به توان جنسی همسر و ... پیش می‌آید.

با همه‌ی اینها، اختلاف‌های خانواده نه تنها کم نشده بلکه در سال‌های اول زندگی مشترک زیاد هم شده است. پس اگر گفته شود که در پنج سال ابتدایی زندگی طلاق زیادی رخ می‌دهد، نتیجه‌اش عدم فرزندآوری نیست. بلکه ترس از فرزندآوری، خود زمینه‌ساز طلاق می‌شود.

حتی در ادعیه‌ی وارده آمده است که در اولین شب رفتار جنسی بعد از ازدواج (اولین شب یا شب‌های بعد از آن) دو رکعت نماز بخوانید و بعد از آن دعایی آمده است:

«لَا تَصِلْ إِلَيْهَا حَتَّى تَتَوَضَّأَ وَتُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ مَجِّدِ اللَّهَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ وَمُرَّ مَعَهَا أَنْ يَوْمُنَا عَلَى دُعَائِكَ وَقُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِيَّهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا وَرِضْنِي بِهَا»^۱

یعنی عشق و محبت همسر را در دل من قرار بده. همچنین در ادعیه آمده که اگر فرزندی از این رابطه به ما عطا کردی، سالم و صالح باشد. این نوع تدابیر در جهت ریلکس کردن، ایجاد آرامش و و فرار از آن وحشت‌هاست.

بعضی تصور می‌کنند از اولین رابطه، فرزنددار می‌شوند. اولاً رابطه‌ی کامل جنسی از نیازهای اساسی در تعاملات جنسی زوجین محسوب می‌شود. فقدان این رفتار، باعث می‌شود طرفین احساس کنند کمبودی در خودشان دارند یا حیا اجازه نمی‌دهد که ابراز کنند





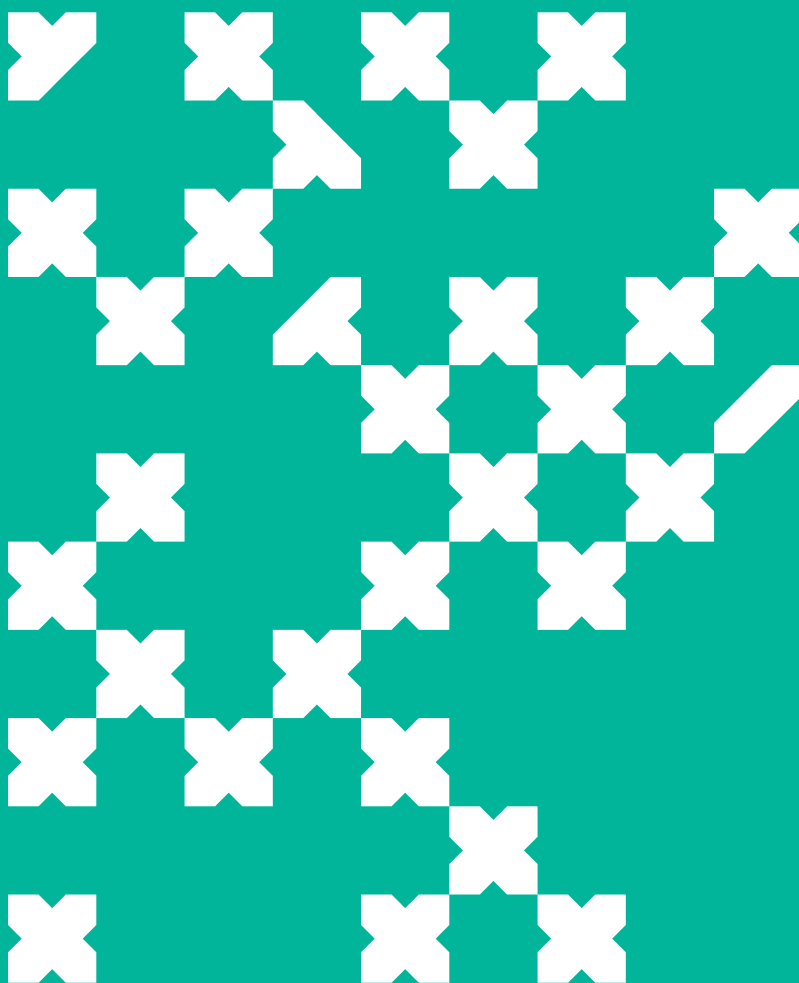
مشکل از کجاست. بنابراین در پنج سال ابتدایی زندگی، طلاق رخ می‌دهد که عدم رابطه‌ی کامل جنسی می‌تواند از دلایل اصلی آن باشد.

نکته‌ی پایانی در این مورد این است که کسانی که در آغاز عروسی وحشت زیادی از رابطه داشته و از رابطه‌ی جنسی اجتناب دارند (و از وسایل جلوگیری متعدد استفاده می‌کنند)، نه تنها خودشان لذت نمی‌برند و به همسرشان رضایت جنسی کافی نمی‌دهند؛ بلکه احتمال بروز عقیمی در آنها بیشتر می‌گردد. این مطلب گزاره‌ای دینی نیست؛ بلکه زیستی و پزشکی است. دکتر افلاطونیان (پدر باروری و ناباروری در ایران) رسماً اعلام کردند زنان جوانی که تازه ازدواج کردند و از رابطه جنسی اجتناب می‌کنند (مثلاً دو تا سه سال)، نسبت به کسانی که اجتناب نمی‌کنند بیشتر در معرض عقیمی هستند. از این موارد در مشاوره‌ها بسیار وجود دارد که چند سال بچه نمی‌خواستند و حالا ده سال است که بچه می‌خواهند و اولاددار نمی‌شوند.

روضه

عبدالله بن محمد صنعانی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «هرگاه حسین نزد پیامبر می‌رفت، حضرت او را به (سینه) خود می‌چسباند و سپس به امیرالمؤمنین می‌فرمود: او را نگاه دار و آنگاه خم شده، او را می‌بوسید و می‌گریست. حسین می‌پرسید: ای پدر، چرا گریه می‌کنی؟ پیامبر می‌فرمود: ای پسر عزیزم: جای شمشیرها را می‌بوسم و گریه می‌کنم. حسین (علیه السلام) گفت: ای پدر، من کشته می‌شوم؟ رسول خدا فرمود: آری به خدا سوگند، تو، پدر و برادرت کشته خواهید شد. عرض کرد: قتلگاه ما از هم جدا خواهد بود؟ پیامبر فرمود: آری پسر عزیزم»^۱

۱ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجَرَةَ عَنْ سَلَامِ الْجُعْفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّنْعَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:



مجلس دوم

پرهیز از فرزندآوری به جهت لذت از زندگی

پرهیز از فرزندآوری برای جلوگیری از تنگی معیشت

پرهیز از فرزندآوری به جهت دشواری تربیت فرزند

مهارت های ضروری در تربیت فرزند

پرهیز از فرزندآوری به جهت لذت از زندگی

از بسیار از زوج‌های جوان می‌شنویم که در سال‌های نخستین ازدواج فرزنددار نمی‌شویم تا بتوانیم قدری از زندگی لذت ببریم (چون فرزند مانع از این لذت می‌شود).

در مورد این مسئله توجه به چند نکته ضروری است.

نکته‌ی اول اینکه اصلِ ایجاد و ثبتِ خاطرات مثبت و شیرین یکی از ضرورت‌های زندگی است. به همین جهت تأکید می‌شود حتماً دوران نامزدی (عقد تا عروسی) داشته باشید. البته لازم به ذکر است که طولانی شدنِ دوران نامزدی هم صحیح نیست و باعث ایجاد اختلافات است. یکی از عوامل اختلافات و طلاق‌ها در دوران عقد، طولانی شدن این دوره است. برخی به این نکته توجه ندارند و تصور می‌کنند چون این دورانی است که نسبتاً به خوشی می‌گذرد، هرچه بیشتر باشد بهتر است. برای مثال یک گردش تفریحی (پیک نیک) را در نظر بگیرید. وقتی در محیطی بروید و دو ساعت آنجا بنشینید خوب است؛ اما اگر زیاد بمانید جمع شدن حشرات، گرمی و سردی هوا و ... و دیگر نیازهایی که پیدا می‌کنید باعث می‌شود تمایلی به ماندن در آن محیط نداشته باشید. البته نمی‌توان زمانی را در این زمینه تعیین کرد. آنچه تجربه‌ی مشاوره‌ها نشان می‌دهد که دوران عقد بیش از ۶، ۷ ماه باعث ایجاد مشکلات بین زوجین می‌شود.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ الْحُسَيْنُ عَ جَذَبَهُ إِلَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَمْسِكْهُ ثُمَّ يَقْعُ عَلَيْهِ فَيَقْبَلُهُ وَ يَبْكِي يَقُولُ يَا أَبْتَ لِمَ تَبْكِي فَيَقُولُ يَا بَنِي أَقْبِلْ مَوْضِعَ السُّيُوفِ مِنْكَ قَالَ يَا أَبْتَ وَ أَفْتُلْ قَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ أَبُوكَ وَ أَخُوكَ وَ أَنْتَ قَالَ يَا أَبْتَ فَمَصَارِعُنَا شَيْئاً قَالَ نَعَمْ يَا بَنِي قَالَ فَمَنْ يَزُورُنَا مِنْ أُمَّكَ قَالَ لَا يَزُورُنِي وَ يَزُورُ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ وَ أَنْتَ إِلَّا الصَّدِيقُونَ مِنْ أُمَّتِي. / ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۷۰



ماه‌های اول این دوران خاطرات مثبتی را به جا می‌گذارد. اگر علائم بعضی از اختلافات زیاد بروز کند، لازم است بررسی شود. شاید یکی از اصلی‌ترین راه‌های رفع این اختلافات، کم کردن توقعات و زمینه‌سازی برگزار کردن عروسی باشد.



این درست است که باید یک نوشتار (به عنوان موارد رفتاری خاطره‌انگیز در آغاز ازدواج (دوران عقد یا بعد از عروسی) باقی بماند. اما

باید سعی کرد این موارد در دوران عقد ثبت شود. شرایط فرهنگی امروز جامعه مثل قدیم نیست که خانواده‌ی دختر اجازه‌ی تفریح را به دختر همراه با شوهرش را در دوران عقد ندهند. تفریح، عکس گرفتن در بعضی فضاهای خاص شهرهای زیارتی یا سیاحتی، خاطرات عاشقانه، هدیه‌های ناگهانی (سورپرایز) و ... خیلی خوب است و توصیه می‌شود. این خاطرات برای زوجین باقی خواهد ماند. بهتر است بخشی از آن به دوران عقد واگذار شود.

نکته‌ی دوم این است که آمارها در زوج‌های ایرانی نشان می‌دهد اینطور نیست که با اولین رابطه‌ی جنسی (بدون ابزار جلوگیری)، زن باردار شود. داده‌های زیستی نشان می‌دهد به طور کلی یک خانم در هر ماه یک بار تخمک‌گذاری دارد. سلولی هم که طی تخمک‌گذاری رها می‌شود فقط هفتاد و دو ساعت فرصت تلقیح با سلول همسرش را دارد تا سلول یک جنین تشکیل شود. حتی ممکن است بعضی بیماری‌هایی داشته باشند که این بارداری را به تأخیر بیندازد (تا چهار، پنج سال باردار نشود).

نکته‌ی سوم: اینگونه نیست که در دوران بارداری نتوان خاطره‌ی



شیرین ثبت کرد. بعضی تصور می‌کنند در دوران بارداری از روابط جنسی هم محرومند. در حالی که باید آموزش‌های لازم را ببینند. ممکن است سطح رابطه‌ی جنسی پایین‌تر باشد ولی می‌توان به جنبه‌های دیگر آن توجه داشت که با کیفیت بالاتری هم همراه باشد. البته در ماه‌های آخر بارداری و شرایط جسمی و روانی خانم محدودتر شود. بنابراین مرد باید قدری خویشتن‌داری کند. (هرکه طاووس خواهد جور هندوستان کشد).

سوال مهم این است که آیا بسیاری از زوج‌هایی که فرزند ندارند، زندگی بسیار خوش و خوبی دارند؟ پس این حجم از درگیری و طلاق عاطفی و محضری مربوط به چه کسانی است؟

بنابراین اگر زوجین در دوران بارداری به حقوق یکدیگر توجه کنند، ویژگی‌های عاطفی و روانی جنس مخالف را بشناسند و روابط عاشقانه داشته باشند، زندگی خاطره‌انگیزی همراه با تفریحات مختلف خواهند داشت. قبلاً ذکر شد که ترس از فرزندآوری مانع از

التذاذ کامل جنسی به نحو

عمیق و کیفی می‌شود و در مواردی از اختلال‌های جنسی لازم است زوجین به مشاور مراجعه کنند (تا وحشت از فرزند نداشته باشند).

نکته‌ی پایانی این که لذت، مصادیق فراوانی دارد. اصل با هم بودن زن و شوهر و انجام

کاری مشترک (ولو خلق یک اثر هنری) لذت دارد. یکی از شاهکارهای آفرینش زوج‌ها، فرزند آنهاست. وقتی زن و شوهر ویژگی‌هایی از خود یا همسر را در بچه می‌بیند برایش بسیار لذتبخش است. این لذت فقط برای پدر و مادر قابل لمس است و باعث محکم‌تر شدن زندگی





می‌شود. متأسفانه در دو سه دهه ی اخیر از بچه هیولای چندش‌آور زحمت‌زایی ساخته‌اند. اما همین شیرین‌کاری‌های بچه (که از عجائب است) زندگی را گواراتر می‌کند.

تجربه نشان داده کسانی که بچه دارند ریلکس‌تر هستند. پدربزرگ‌هایی که با نوه سرو کله می‌زنند هشت سال عمرشان طولانی‌تر است و سگته‌های کمتری دارند. اگر بچه را به خاله‌اش بپارند تا مادرش به سفر برود، ولو بهترین سفر را رفته باشد، باز هم مضطرب و نگران فرزند خود است. وقتی مادر به فرزندش شیر می‌دهد، لذتی عمیق و احساس کمال و رشد را تجربه می‌کند. همین‌طور در مورد اولین لبخند فرزند (حدود یک ماهگی) که با تماس چشمی بچه است، ذوق و شوق بسیاری به پدر و مادر منتقل می‌کند.

نگاه ما به لذت، نگاهی سیستمی است. فارغ از اینکه شیرینی‌های فرزند (اعم از لبخند، خنده، صدا زدن والدین، گرفتن دست آنها، شروع به صحبت کردن و ...) برای والدین دلنشین است باعث قرب الهی، نزدیک شدن به منبع کمالات خداوند و رضایت الهی، دفع بلا و گرفتاری از والدین و برکت در زندگی آنها می‌شود.

پرهیز از فرزندآوری برای جلوگیری از تنگی معیشت

یکی از مسائل دیگری که در ذهن بسیاری به عنوان مانع فرزندآوری محسوب می‌شود، شرایط اقتصادی و معیشتی است. برخی افراد با توجه به قسط‌های وام ازدواج و دیگر هزینه‌ها، تصور می‌کنند بهتر است به ثبات و غنای اقتصادی برسند و بعد فرزنددار شوند.

یک نکته این است که ممکن است به غنای اقتصادی برسند و در آن زمان فرزنددار نشوند.

نکته ی دیگر در مورد هزینه‌های فرزند است. اگر به درستی به این امر توجه شود، فارغ از آداب و رسوم غلطی که تا حدی در جامعه



رواج یافته (اصطلاحاً مُد شده) در ابتدای تولد، بچه هزینه‌های زیادی ندارد. بسیاری از وسایلی که به عنوان سیسمونی تهیه می‌شود، اصلاً مورد نیاز بچه نیست. اما متأسفانه تحت تأثیر فرهنگِ غلط به وجود آمده و موج اجتماعی، والدین به صورت بیمارگونه اقدام به خرید وسایل اضافی می‌کنند. بچه در سال‌های اول هزینه‌ی زیادی (مانند یک نوجوان) ندارد. رزق فرزند از همان ابتدای تولد، در سینه‌ی مادر می‌آیند که نوعی زمینه‌سازی برای والدین است.

از طرف دیگر، آمار ناباروری (عقیمی) در ایران ۲۰ درصد است. یکی از عوامل عقیمی، تأخیر در فرزندآوری است. این معضل (سخت‌باروری) مشکلات فراوانی را برای خانواده‌ها به بار می‌آورد. هزینه‌های سنگین درمان، عمل‌های جراحی، اقدام از روش‌های مختلف (مثل IVF) و ... به خانواده‌ها تحمیل می‌شود و درصد کمی از آنها صاحب فرزند می‌شوند.

بنابراین ممکن است در شرایط تمکن اقتصادی فرزنددار نشوند.

زمانی در حرم مطهر امام رضا (ع) در این رابطه صحبت کردم. بعد از سخنرانی، آقای‌ی نزد من آمد و گفت همسرم جنین دو ماهه‌مان را از ترس فقر و هزینه‌های آن سقط (کورتاژ) کرد. بعد از مدتی پدرش از دنیا رفت و علی‌القاعده ارث عظیمی باید از ایشان به ما می‌رسید. اگر آن بچه بود، شرایط خوبی برایمان ایجاد می‌شد. اما موانعی ایجاد شد که از دستیابی به آن ارث محروم شدیم.

مطلب بعدی این است که فرزنددار شدن از عوامل رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. فرزند، باعث می‌شود انگیزه‌های والدین برای زندگی بیشتر شود تا جایی که تجملات را کم کرده و فکر اقتصادی و پس‌انداز در آنها تقویت می‌شود. از طرف دیگر طبق روایات ما بسیاری بلایا،



بیماری‌ها و هزینه‌های سنگین بوسیله‌ی فرزند دفع می‌شود.
امام صادق (ع) می‌فرماید:

«ادْعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فِي الْمَكْتُوبَةِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا
خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْ فِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ»^۱

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ لَنْ نَرْزُقَهُمْ وَإِيَّاكُمْ»^۲

این بیان قرآن است. بدیهی است اینگونه نیست که این رزق به صورت بقچه‌ای از پول به دامن والدین بیفتد! تا انتظار داشته باشند بدین شکل رزق به آنها برسد. رزقی که قرآن اشاره می‌کند در واقع عنایت مستقیم الهی است که با تفکر و توجه می‌توان آنرا دریافت (و در مورد خود ازدواج هم بیان شده است).



پرهیز از فرزندآوری به جهت دشواری تربیت فرزند

شبهه‌ی دیگری که در زمینه‌ی فرزندآوری مطرح است و بیشتر، دغدغه‌ی اقشار حزب اللهی و مذهبی است، دشواری تربیت فرزند است (تا جایی که به این شبهه، شبهه‌ی حزب اللهی‌ها می‌گوییم). این ترس وجود دارد که تربیت فرزند به خودی خود دشواری‌هایی دارد و به طور خاص در این زمانه، سختی بیشتری هم دارد. با توجه به

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۵۵۱

۲ قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۳۱



اینکه والدین احساس می‌کنند پیچیدگی‌های تربیتی را بلد نیستند از فرزنددار شدن یا به دنیا آوردن فرزندان بعدی (دو یا سه تا) پرهیز می‌کنند. به نظر می‌رسد انگیزه‌ی مطلوبی در این شبیه وجود دارد و ناشی از راحت‌طلبی یا ترس از فقر نیست. در واقع شبیه‌ی قابل توجهی است و بسیاری از اقشار جامعه نسبت به آن دغدغه دارند.

درگام اول، باید به این پرسش پاسخ داد که رشد تربیتی کودکان به صورت تک فرزندی بهتر و بالاتر است یا به صورت چند فرزندی؟ هوش اجتماعی (ایکیو) سازگاری، آرامش، عزت نفس، اعتماد به نفس، خودپنداره مثبت، سازگاری با دیگران، مدیریت عاطفی دیگران، شناختن حق دیگران، احساس ملکیت بچه‌های دیگر و راه‌های رسیدن به صلح و تفاهم در نزاع با دیگر بچه‌ها در حالت تک فرزندی بهتر است یا چند فرزندی؟

تقریباً تمام پژوهش‌های روانشناسی (که اکثر آنها در خارج از کشور انجام شده است) نشان می‌دهد بچه‌هایی که تک‌فرزند بوده‌اند اختلالات گسترده‌ای از جمله کمال‌زدگی، وسواس فکری، ترس‌های دورنی ریشه‌دار، اضطراب‌های منتشر شده و ... داشته‌اند. بنابراین تک فرزندی، خود، از عوامل بد تربیتی است.

در ارزیابی این امر جامعه را به چهار بخش تقسیم می‌کنیم:

■ زنان و مردان مجرد (که تعداد آنها در جوامع صنعتی زیاد است)

■ متأهلین بدون فرزند

■ خانواده‌های دارای تک فرزند

■ خانواده‌های دارای چند فرزند

سؤال این است که در مورد سطوح تربیتی مثل اخلاق اجتماعی، میزان فساد اجتماعی، رعایت ارزش‌های دینی و عواطف انسانی،





کدامیک از گروه‌های فوق بهترند؟

اساساً در بسیار از کسانی که ازدواج نکرده‌اند، خیری نیست؛ چه رسد به ارزیابی مسائل تربیتی! در تحقیق صورت گرفته توسط یکی از نظریه‌پردازان غربی بیان شده بود که براساس داده‌های عملی، هرچه جوامع کم‌فرزندتر باشند، کمتر به کلیسا مراجعه می‌کنند!

نمونه‌ای در مورد متدینین را در نظر بگیرید: خانم‌های متأهل بیشتر تمایل به دارند در رفت و آمد بیرون از خانه، آرایش و نمایش‌گری

بیشتری داشته باشند یا خانم‌های مجرد؟ و اگر ازدواج کرده‌اند، کسانی که فرزند دارند اینگونه‌اند یا آنان که فرزند ندارند؟ طبیعتاً کسی که حساسیت زیادی نسبت به حفظ سبزه خود دارد، بچه‌ای سرسرفه‌اش یک لقمه نخورده است!



آنچه ذکر شده جواب نقضی

(سلبی) بود. اما این شبهه جواب حلی (ایجابی) هم دارد.

اولاً باید «تربیت» را تعریف کرد. تربیت به معنی «پرورش استعداد درونی برای رسیدن به یک هدف متعالی» است.

اگر این اتفاق رقم بخورد، به «تربیت شده» یا «پرورده» تبدیل می‌شود. برای مثال وقتی نقص‌های درونی یک زیتون زوده می‌گردد تا خوردن آن مطبوع باشد، پرورده می‌شود. معادل این کلمه در عربی «مربا» است. بنابراین مفهوم جامعی از تربیت مدنظر است که فرد به سطحی از رشد، توانمندی و هوش (هوش ذاتی یا





اكتسابی) و رعایت ارزش‌های دینی، رعایت حقوق اجتماعی، عفت و خویش‌ن‌داری، بردباری و تاب‌آوری و ... برسد. تمام این مفاهیم را می‌توان درکمال، سعادت و خوشبختی خلاصه کرد.

بخشی از رفتار و خلیات بچه، ناشی از ژن و چینش ژن‌ها بر روی کروموزوم‌هاست. اصطلاحاً همان رگ و ریشه‌ی پدر و مادر گفته می‌شود. برای مثال خیلی از والدین حلم، بردباری و طمأنینه در خون آنهاست. فرزند چنین والدینی هم معمولاً آرام است. بخشی از این واقعیت محصول ژنتیک است. همان‌طور که شیرین بودن میوه‌ی یک درخت هم به عوامل ژنتیکی هم مربوط است. این امر در انسان هم تا حدی قابل تطبیق است. در مورد حد آن، روانشناسان می‌گویند خصوصیات فرد ناشی از ژن به اضافه‌ی محیط است. برخی نقش ژن را بیشتر می‌دانند و برخی نقش محیط را. ولی همگی نقش ژن را به عنوان عاملی مهم قبول دارند.

یکی دیگر از موارد مؤثر در رشد فرد، عوامل مادرزادی است. این مورد متفاوت از ژن است. مراقبت‌های دوران بارداری (تغذیه، مسائل روانی و ...)، کیفیت زایمان و ... از جمله عوامل مادرزادی است.

نکته‌ی بعدی، رعایت‌های مربوط به دوران حساس و جبران ناپذیر است. اساساً هرچه تربیت به پی‌ها (فونداسیون‌ها) نزدیک‌تر باشد از اهمیت بالاتری برخوردار است. این فونداسیون‌ها (یعنی مراحل زیرین) به مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری کودک برمی‌گردد.

اولین مرحله از مراحل زیرین ژن هست. بعد از آن بارداری است و سپس دوران اولیه‌ی تولد اهمیت دارد.

دوران اولیه‌ی تولد با دوره‌های سنی دیگر (مثل ده تا دوازده سالگی) متفاوت است. اگر کودکی در سه ماهگی دو مرتبه تشنج کند، ضرباتی به مغز و همچنین آثاری بر روح و جسم او وارد می‌شود که عمیق و





بنیادی است. در سایر مسائل هم این امر صادق است؛ اساساً یکی از پایه‌های تربیت، سلامت مغز است. وقتی کودکی پنج بار تشنج کند، ظرفیت‌های رشد خود را از دست می‌دهد و گاهی ممکن است عقب‌مانده‌ی ذهنی شود. بنابراین باید والدین توجه داشته باشند که نگذارند تب کودک به ۳۹ و ۴۰ درجه برسد. همچنین سر بچه داد زنند و به هیچ وجه کودک را به صورت فیزیکی نزنند. اینها به جهت تربیتی آثار مخربی دارد.

مطلب مهم بعدی شیر مادر است. شیر مادر اثر مهمی در انتقال سیستم‌های ایمنی دارد و در مسائل روانی هم اثر جدی دارد. ممکن است فرآیند اثرگذاری روانی آن برای ما روشن نباشد، اما به اندازه‌ای در روایات به این زمینه تأکید شده که از چنین اثرگذاری‌ای می‌توان اطمینان حاصل کرد. این در حالی است که غالباً در تربیت فرزند، سهمی را برای شیر مادر قائل نیستیم.

نکته‌ی بعدی نام فرزند است. گاهی نامی برای بچه بگذاریم که معنایی ندارد یا مفهومی اسطوره‌ای و تاریخی (مثلاً نام یک معبد قدیمی یا مربوط به بت پرستی) است؛ این متفاوت است با اینکه اسم دختر را زهرا بگذاریم (که نشانه‌ی بزرگترین بانوی بشریت است که این نام در اثر عبادت و درخشندگی و نورانیتی که فرشته‌ها از ایشان می‌دیدند) آثار تربیتی دارد. استاد دکتر جان بزرگی (از اساتید برجسته‌ی روانشناسی) قائل‌اند که سیزده اثر بالینی و روانی برای اسم ثبت شده است. دوره‌ی اولیه‌ی رشد سه سال، پنج سال و هفت سال گفته شده است. در مجموع باید گفت زمینه‌ی رفتاری والدین با کودکان در این سنین، در امور بعدی اثرگذار است.

یکی از اساتید (مرحوم خانم دکتر دادستان؛ چهره‌ی ماندگار علمی کشور که از شاگردان پروفسور پیاژه مشهورترین روانشناس تاریخ در شناخت تحولات ذهنی کودک بودند) اشاره داشتند: مادرانی که به جهت خستگی هنگام شیر دادن، بچه را زودتر از وقتی که خودش



می‌خواهد از سینه‌ی خود جدا می‌کنند، باعث می‌شود این بچه در نوجوانی اعتماد به نفس نداشته باشد. در روایات آمده است مادری که اجازه دهد نوزاد تا زمانی که خودش دهان بردارد، شیر بخورد، خداوند صد پاداش به مادر داده و صد گناه قبلی او را می‌بخشد. پس این امر یک مفهوم تربیتی جدی است.

کودک در دوران اولیه، از طریق مشاهده اثر تربیتی می‌پذیرد. برای مثال وقتی کودک چهار ساله‌ای درگیری کلامی والدین خود را هر شب می‌بیند، ممکن است به نظر برسد که الان بازتابی ندارد (کودک مشغول بازی است) اما این یادگیری مدیونگ، به صورت ناهوشیار رخ داده و درونی شده که در آینده این کودک، جوانی پرخاشگر می‌شود. طرف دیگر آن هم صادق است؛ والدین منضبط، فرزندی منضبط خواهند داشت. اگر هنگام نماز، والدین با نشاط به سمت سجاده بروند، بچه‌ی سه ساله هم همانگونه خواهد شد. در این دوران یادگیری به صورت ناهوشیار و خودکار است؛ یعنی فرزند بدون



بازتاب بیرونی در حال فیلمبرداری است که اثرات گرفته شده را بعداً نشان خواهد داد. از هفت تا چهارده ماهگی دورانی است که یادگیری بسیار آسان است. آداب و اخلاق اجتماعی، مبانی مباحث عقیدتی و امثال آن (در

حدی که در ظرفیت کودک است) به راحتی به او قابل انتقال است. روانشناسان به این سنین دوران آموزش می‌گویند؛ چراکه درهای ذهنی باز است و مقاومتی مقابل یادگیری وجود ندارد. هر مطلبی که به کودک گفته شود سریع یاد گرفته و جایگاه خود را در ذهن و سیستم‌های شناختی خودش حفظ می‌کند. این آموخته‌ها بعداً منشأ اثر خواهد بود. درست است که تربیت بی ارتباط با مسائل اقتصادی نیست ولی بخش‌هایی از آن مرتبط با اقتصاد است که

خانواده‌ها را دچار وحشت می‌کند.

شخصی به امام باقر (ع) نامه نوشت که من پنج سال است بچه می‌خواهم اما همسرم مخالف است. چراکه می‌گوید ما به جهت اقتصادی قدرت نداریم که بتوانیم بچه را مدیریت کنیم. حضرت فرمودند: این نگاه اشتباه است؛ خداوند رزق آنها را می‌دهد. ۱.

مهارت‌های ضروری در تربیت فرزند

یادگیری برخی مهارت‌ها برای والدین لازم است. میزان تماشای تلویزیون، مدیریت چگونگی ورود به فضای مجازی، سواد رسانه، خویشتن‌داری و خودکنترلی در فضای مجازی، اطلاع از اعتیادآور بودن اینترنت در ساعاتی از شبانه‌روز و پیشگیری و درمان اعتیاد به فضای مجازی از جمله‌ی این مهارت‌هاست. این مهارت‌ها در تربیت لازم است و با یادگیری آن می‌توان در خانه بسیاری از این موارد را کنترل کرد.



نکته‌ی بعدی این است که در تربیت نباید ایده‌آل‌نگر بود. این جنس حرف‌ها که: «بچه‌ی ما باید پروفسور، دکتر، مجتهد یا امثالهم شود» غلط است. گاهی ممکن است یک جوان

معمولی شود اما ناگهان در فرآیند ماجراجویی، تاریخ را تغییر دهد. مثل شهید چمران، شهید حججی، شهید علی لندی و ... اینگونه نیست که اغلب نخبگان برنامه‌ریزی‌های دقیقی را در فضای تربیتی

۱ «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَسْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَتُهُمْ لِقَلْبِهِ الشَّيْءُ فَمَا تَرَى فَكَتَبَ عَ إِلَيَّ اَطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ» کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۳



داشته‌اند.

آموزه‌های ما منحصر در تربیت فرزند نیست؛ بلکه به تربیت جامعه هم توجه دارد. یعنی فرزندان را در فضای جامعه بینیم. اگر افزایش جمعیت در جامعه داشته باشیم، برکت آن شامل کل جامعه شده و آنرا به سمت تعالی می‌برد. جوامع تک فرزند به راحتی دچار فسادها، اختلافات، پرخاشگری‌ها و امثال اینها خواهد شد.

بیان این مطالب به این معنی نیست که هرچه فرزند بیشتر باشد، بهتر است؛ نه! فرزندآوری هم حدی دارد و باید مدیریت شود.

فرزندی که به دنیا می‌آید و محبت امیرالمؤمنین (ع) و ایمان به خدا را در دل دارد، هرچند ممکن است گاهی معصیتی کند؛ اما حد نصاب سلامت و درخشندگی را در عالم داراست.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«وَلَمْ يُولَدْ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»^۱

به دنیا آمدن فرزندی در امت من، از هر ارزش مادی ای بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است.

همچنین فرمودند:

«تَنَاجَوْا نَسْلًا تَكْثُرُوا فَإِنَّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ»^۲

فرزندان (مسلمان و مؤمن) مایه‌ی مباهات من هستند. البته مؤمن به معنای صالح بودن تمامی اعمال نیست؛ بلکه ایمان به خدا و پذیرش نبوت حضرت محمد مصطفی (ع) و قبول داشتن

۱ نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳

۲ عشیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰۱





امیرالمؤمنین (ع) برای صدق عنوان مؤمن کافیست.



این فرزندان شاید به رشد نرسند، در کودکی بمیرند، تربیت عالی (در حد تصور ما) نداشته باشند یا حتی سقط (هنگام زایمان یا ...) شوند. در روایت هست که همین فرزند، پدر و مادرش را به بهشت می‌برد. برخی فرزندان دچار بیماری، عقب ماندگی ذهنی و ... باشند (۹ درصد از جامعه کودکان استثنایی هستند که از فلج

مغزی تا افراد مبتلا به اختلالات گویایی، بینایی، شنوایی و ذهنی و عقب مانده ی ذهنی را شامل می‌شوند). این فرزندان گاهی به نحوی بسیار عالی و سریع باعث رشد و کمال والدین خود می‌شوند با اینکه به ظاهر خودشان به کمال نمی‌رسند (البته به لحاظ فلسفی به کمال می‌رسند). فلذا در عالم آفرینش این افراد دارای کمالاتی برتر و نسبت به انسان-های دیگر جلوتر هستند ولو مانع بدنی‌ای برایشان ایجاد شده باشد.

توجه به این نکته هم لازم است که گاهی ما باید از زمینه‌های مادی دیگر خود کم کنیم و به آموزش و تربیت فرزندان بپردازیم؛ البته نه برای اینکه به دیگران فخر بفروشیم.

توجه به عوامل معنوی هم تربیت از اهمیت بالایی برخوردار است. گاهی دو رکعت نماز والدین در دل شب و دو قطره اشک آنها مسیر زندگی کودک را تغییر می‌دهد.

نکته ی پایانی اینکه نباید تصور کرد که بناست همه صالح شوند. اگر ترس از ناصالحی فرزند باشد، نباید خیلی افراد به دنیا می‌آمدند.

۱ «أَنْتِ أُمِّي بِكُمْ الْأُمَمَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسُّفْطِ يَظِلُّ مُحْبُطًا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ» کلینی،

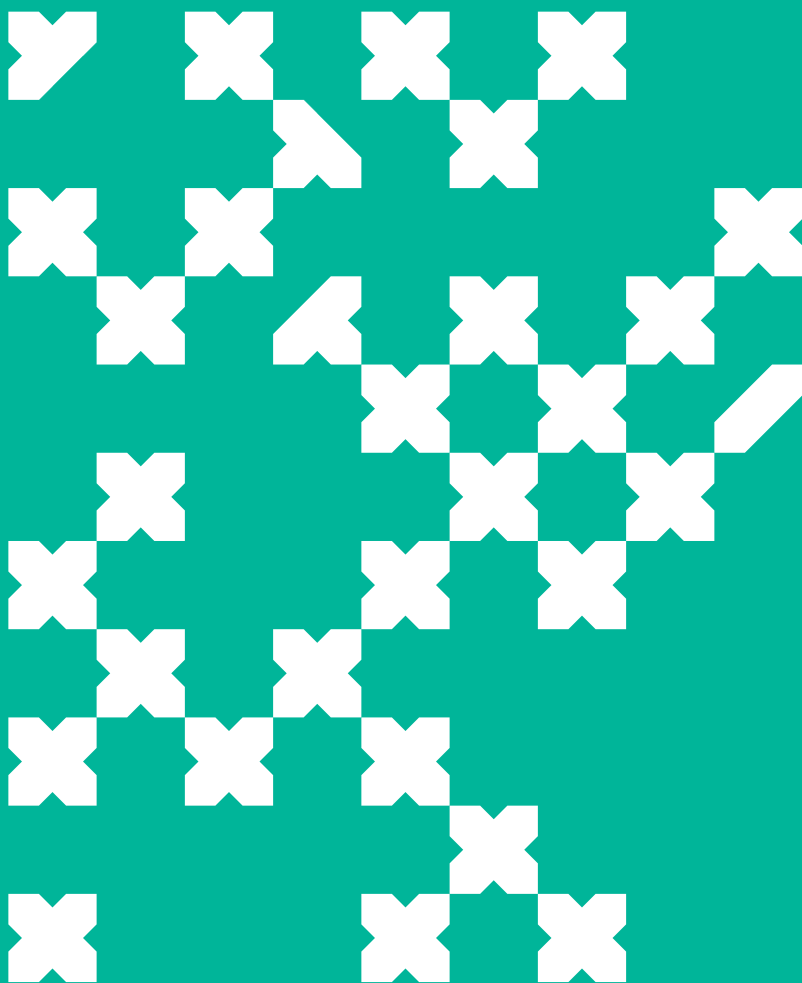
محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۳۴

فرزند امام هادی (ع) (جعفر کذاب) فرزند امام بود، زن خوب داشت، از تربیت خوب و لقمه‌ی حلال بهره‌مند بود؛ اما اینها مانع از اختیار و آزادی او نشد و نهایتاً به عنوان فردی شرور و بدنام در تاریخ، شناخته شود. اگر والدین با انگیزه‌هایی درست روش‌های صحیحی را به کار بگیرند، حتی اگر آن فرزند خراب شود، خداوند مقام بالایی به ایشان خواهد داد.

روضه

امام صادق (ع) فرمودند: «در شب معراج به پیامبر (ص) گفته شد که خداوند شما را با سه چیز مورد آزمایش قرار می‌دهد. سوّمین آزمایش، مصیبتی است که بعد از رحلت به اهل بیت تو می‌رسد که کشته خواهند شد... و اما دخترت مورد ستم قرار گرفته، حقش را غصب می‌کنند، با آنکه باردار است، او را می‌زنند. بدون اجازه او به منزلش داخل شده و افراد فرومایه، او را می‌رنجانند و وی پشتیبانی نداشته و به دنبال آسیبی که به او می‌رسد، فرزندش سقط شده و به همین دلیل از دنیا می‌رود»^۱

۱ «وَأَمَّا ابْنُكَ فَتَطْلَمُ وَ تُحْرِمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضِبَ الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهَا وَ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنَزِلُهَا بَغَيْرِ إِذْنٍ ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذَلِكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرُقُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ قُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» / ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۳۲ و ۳۳۳



مجلس سوم

فرزندآوری در نگاه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)

فرزندآوری در نگاه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)

در مباحث این بخش به این موضوع می پردازیم که پیرامون افزایش جمعیت چه مطالبی در قرآن و روایات اهل بیت (ع) بیان شده است؟ اینکه آیا پیرامون شبهات مطرح در این زمینه، آیات و روایات مطلبی دارند؟ همچنین در مورد ارتباط افزایش جمعیت با مباحث سیاسی (خصوصاً اقتدار و امنیت) نظر اسلام چیست؟

در بین سؤالات مختلفی که پیرامون دیدگاه دین در مورد افزایش جمعیت مطرح است، پایه ای ترین سؤال این است که حقیقتاً اسلام توصیه به افزایش جمعیت دارد؟ و اگر دارد، دلیل آن چیست؟

پیرامون این سؤال در قرآن کریم و روایات مطلبی بیان شده است. یکی از آیات قرآن در این زمینه (که زیاد شنیده شده) چنین می فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ
مَنْ نَزَرْنَاهُمْ وَإِذَا كُنَّا أَكْثَرًا قَتَلَهُمْ كَانِ
خَطِيئَةً كَبِيرًا»



برخی خانواده ها بخاطر مشکلات اقتصادی، از فرزندآوری پیشگیری می کنند یا جنین را از بین می برند

(به تعبیر دیگر سقط کرده یا کورتاژ می کنند). اما غالباً کسی نوزاد را نمی کشد (به جهت سطح دانش اجتماعی، وجدان عمومی و تعالیم دینی). بنابراین این بُعد از تعالیم دینی کمتر بیان شده است که آیات مربوط به قتل فرزند و از بین بردن نسل شامل جنین هم می شود. معیاری هم که در آیه به آن اشاره شده است، ترس از فقر



و گرفتاری اقتصادی است که پاسخ آن هم در آیه بیان شده است.
آیات دیگری هم از زوایای دیگر به این موضوع اشاره دارند:

«قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»^۱

«قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روی سبک مغزی و جهالت کشته‌اند، و آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمرده‌اند، زیان کردند؛ به راستی که گمراه شدند و هدایت یافته نبودند»

«وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»^۲

قرآن، ازدیاد نفرات (از قلت به کثرت نفرات) را به عنوان یک نعمت یادآوری می‌کند. در واقع زیاد شدن نفوس در جامعه را یک نوع خیر و زمینه‌ای برای رشد و قدرت جامعه معرفی می‌کند.

«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِهَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا»^۳

این آیه تصریح دارد که زمین برای برطرف کردن نیازهای انسانی و پاسخ به آنها کفایت می‌کند.

در آیه‌ی دیگری، یکی از آثار نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی را از بین بردن نسل می‌داند:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ

۱ انعام / ۱۴۰

۲ اعراف، آیه ۸۶

۳ مرسلات، آیه ۲۵ و ۲۶





وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۱

خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) خبر می دهد که بدترین انسان ها کسانی هستند که در مراکز تصمیم گیری و ارکان کشور نفوذ می کنند و نزد دیگران قسم می خورند که دلسوزند (در حالی که بیشترین دشمنی را دارند). وقتی قدرت به دست این افراد بیفتد (یا از مراکز تصمیم گیری خارج می شوند) چهره ی واقعی خود را نشان می دهند و در جهت فساد در زمین تلاش می کنند. ایجاد فساد آنها به دو طریق است:

■ از بین بردن اقتصاد (که مصداق بارز آن در زمان پیامبر (ص) کشاورزی بوده)

■ از بین بردن نسل انسانی

آیه ای دیگر می فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلُمُونَ^۲»

این آیه (که در آرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درج شده است) به جمع آوری عُدّه و عُدّه اشاره دارد که بخشی از این «أعدوا» به ازدیاد نفرات انسانی برمی گردد. یعنی رابطه ی مستقیمی بین اقتدار و ایجاد ترس از دشمن و کثرت نیروی انسانی مسلمین وجود دارد.

در روایات هم مفصلاً به اصل کثرت انسان اشاره شده است و کلیدواژه ی «کثرة» (زیاد شدن) تحت عنوان «اکثر الامم» بسیار به کار رفته است. اکثر این احادیث هم نبوی (ص) است. به یکی از این

۱ بقره، آیه ۲۰۴ و ۲۰۵

۲ قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۰

احادیث اشاره می‌کنیم:

«أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا»^۱

فرزندان خود را زیاد کنید تا من بر تعداد زیاد شما به دیگران مباحثات کنم. یعنی در جامعه‌ی توحیدی تشکیل شده، زیاد بودن نفوس انسانی یک ارزش و مزیت است. البته همیشه این امر نشانه‌ی قدرت نیست. خود انسانیت (انسان موحدی که اصل خدا و نبوت و امامت را پذیرفته) که گوهر ارزشمندی است در کثرت داشتن خیر تلقی می‌شود.

حدیث نبوی (ص) دیگری هم در این زمینه نقل شده که مشهور است:

«تَنَاسَلُوا أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ»^۲



توصیه به مسلمین و مؤمنین است که ازدواج کنید. هرچند زن و مرد ابعاد مختلف و نیازهایی دارند که در ارتباط با هم آن نیازها رفع می‌شود؛ اما ازدواج منحصر در اینها (و آرامش یافتن) نیست (ازدواج بدون فرزند هدف نیست). در واقع تشکیل

خانواده جدای از زمینه‌سازی برای رشد و تعالی زوجین، باید زمینه‌ی رشد فرزندان را هم فراهم کند. تعبیر پیامبر اکرم (ص) «تناسلوا» است؛ یعنی یک نسل را پدید آورید. در حال حاضر در سطح وسیعی

۱ «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا» کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۲

۲ نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳

از مردم شاهد تک فرزندی هستیم. یعنی زوجین در طول حیات خود یک فرزند داشته‌اند. در حالی که حضرت فرمودند:

«تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ أَشْفَهُ أَرْحَامًا وَأَدْرُسِيَّ أَخْلَافًا وَافْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَامًا مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ يَظَلُّ مُحَبَّبُطًا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ»^۱

اینجاست که اکثر شبهات و گرفتاری‌های ذهنی برای فرزند بیشتر آوردن و سختی‌های آن برای انسان طرح میشه.

حضرت رسول الله (ص) با عبارت هشدار (توجه دادن) می‌فرمایند که من به فرزندان شما افتخار می‌کنم. یعنی ارزشمندترین مخلوق هستی که همچون گوهری پیغمبر (ص) به آن افتخار می‌کنند، فرزندان ما هستند. این تعبیر را بعد از تکاثروا فرموده‌اند نه بعد از تناسلوا.

وقتی چنین آگاهی‌ای برای انسان پدید آید، بسیاری از گره‌های ذهنی در این زمینه خود به خود حل می‌شود.

دسته‌ی دیگری از روایات که دال بر فرزندآوری است، در اشاره به مقام مادرانی است که چند فرزند دارند.

یکی از صفاتی که در روایات برای بزرگداشت و تعریف و ترجیح زن ذکر شده، «ولود» بودن است. ۲. حتی در برخی روایات بیان شده که ولود بودن بر زیبایی زن ترجیح دارد. ۳. برای ولود دو معنی به ذهن

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۳۴

۲ «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ [نِسَائِكُمْ] الْوُلُودَ الْوُدُودَ وَ السَّيِّرَةَ [الْغَفِيَّةَ] الْغَزِيَّةَ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةَ مَعَ بَعْضِهَا الْخَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ لَهُ وَ تَطِيعُ أَمْرَهُ إِذَا خَلَا بِهَا بَذَلْتُ مَا أَرَادَ مِنْهَا» / نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱

۳ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ذَرُوا الْحَسَنَاءَ الْقَعِيمَ وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّوْدَاءِ الْوُلُودِ فَإِنِّي مُكَاثِّرُ بِكُمْ الْأُمَمَ حَتَّى بِالسَّقَطِ» / نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج



می‌رسد:

■ به معنای توان فرزندآوری زیاد

■ به معنای عقیم نبودن

(البته این ارزش‌گذاری در مقام فعل اختیاری نبوده؛ بلکه در مقام ارزش‌گذاری تکوینی است)

با توجه به روایات، در مقام انتخاب، زنان فرزندآور نسبت به زنان عقیم، و زنان پرفرزند نسبت به کم‌فرزند اولویت دارند. همچنین زنی که بتواند چند بچه بیاورد ولی به یک فرزند اکتفا کند، در مقام ارزش‌گذاری دینی پایین‌تر از زنی است که خود به خود عقیم است یا بیشتر از یک فرزند نمی‌تواند بیاورد.

دسته‌ی دیگری از روایات مربوط به مذمت افراد «عزب» (مجردان) است. از این افراد بسیار در روایات گلایه شده است. در برخی از تعبیر مذمت‌آمیزی که در این زمینه نقل شده، مقدمه‌ی بحث، ضرورت خروج از مجردی جهت فرزندآوری است. یعنی دختر و پسر در کنار هم قرار بگیرند و زمینه‌ی شکوفایی عالم آفرینش (که وجود انسان‌هایی است که دستیابی به کمال را پیگیری می‌کنند) را فراهم کنند. تحقق این امر به اراده‌ی انسان‌ها جهت ازدواج بستگی دارد. بنابراین از انسان‌هایی که از ازدواج گریزانند و تبعاً فرزندى از آنها به وجود نمی‌آید، بسیار گلایه شده است. انسان‌های عزب در احادیث دینی کسانی هستند که با هدف آفرینش هماهنگ نیستند. شاید به همین دلیل است که در روز قیامت، زمین در مورد این شخص شکایت می‌کند که چرا فردی عزب بود و می‌توانست ازدواج کند و نکرد و بر پشت زمین گام برداشت.

روایاتی هم پیرامون واقعیت‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی





مجردان ذکر شده است. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

«أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَرَبُ»^۱

به جهت آماری، بیشترین اهل جهنم افراد بی همسر هستند. در این زمینه احادیث فراوانی داریم. در مورد فضیلت ازدواج هم روایات فراوانی بیان شده است. صرف ازدواج، رشد جهشی در کمالات را رقم می زند. براساس احادیث وارده، نماز فرد متأهل هفتاد برابر فرد عرب ارزش بیشتری دارد و خواب شب فرد متأهل از عبادت شبانه انسان مجرد بالاتر است. در باب ثواب هایی که بر فرد متأهل مترتب است هم روایات نکات متنوعی دارند. از جمله ی این گزاره ها عبارتند از:

- نگاه به صورت همسر عبادت است
- التذاذ از همسر عبادت است
- گرفتن دست همسر و قدم زدن با او مایه ی نورانی شدن و کفاره ی گناهان است

روابط زن و شوهر، در یک سیر صعودی به طرف فرزندآوری می رود و آن لذات منجر به بارداری می شود. نقطه ی اوج مقام یک زن و مرد مسلمان از زمان بارداری خانم است. از اینجا همه ی رسالت فرزندآوری علی الظاهر به عهده ی زن است. از بارداری و سختی های این دوران در قرآن و روایات تکریم شده و از لحظه لحظه ی آن تجلیل شده است.

اشاره شد که اسلام نسبت به کثرت فرزندان تأکید و تشویق دارد و با بیان های مختلفی به بیان این امر می پردازد. یکی از این بیان ها در ارتباط با مباحث مبنایی آفرینش است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا



وَبَتَّ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنَسَاءً»^۱

این آیه به اصل آفرینش اشاره دارد. ابتدا به مردم خطاب می‌کند که خدا ترس باشید؛ همان خدایی که ابتدا انسان را و از نوع او همسرش را آفرید. سپس از این دو وجود، مردان و زنان کثیری (جنس مذکر و مؤنث) خلق کرد. در همین تعبیر، کثرت زن و مرد در سیاق مثبت بیان شده است. در ادامه می‌فرماید:

«وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^۲

این بخش از آیه به ارتباطات اجتماعی اشاره می‌کند که از طریق زاد و ولد شکل می‌گیرد. بنابراین از دیدگاه قرآن، آفرینش و به وجود آوردن فرزندان مبنای توحیدی دارد. بنابراین خداوند متعال و انبیای الهی (خصوصاً پیغمبر خاتم حضرت محمد مصطفی (ص)) از انسان خواسته‌اند که این شبکه‌ی اجتماعی را توسعه دهند تا انسان‌های موحد زیاد شوند. مفاهیمی که در روایات با تعبیر «اباهی بکم الامم» ذکر شد هم در این فضا طرح شده است.

حدیث دیگری از امام رضا (ع) نقل شده است که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد بیان فرمودند (فرازی از این روایت ذکر می‌شود):

«وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكَحَةِ وَالْمُصَاهَرَةِ آيَةٌ فَحُكْمَةٌ وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيزٌ لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ وَقَرِيبِ الْبَعِيدِ وَتَأْلِيفِ الْقُلُوبِ وَتَشْيِيكِ الْحَقُوقِ وَتَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَتَوْفِيرِ الْوُلْدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَحَوَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَرْعَبُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيْبُ وَيُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُوقِفُ الْمُصِيبُ وَيَحْرِصُ عَلَيْهِ الْأَدِيبُ الْأَرِيبُ فَأُولَى النَّاسِ بِاللَّهِ مَنْ اتَّبَعَ أَمْرَهُ وَ

۱ قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱

أَفْذَحُكْمَهُ وَأَمْضَى قَضَاءَهُ وَرَجَّاهُ ۱»

«اگر در امر ازدواج و پیوند سببی آیه محکم، سنت و روش قابل پیروی و روایات فراوانی نبود البته آثاری که خداوند در آن قرار داده از نیکی به نزدیکان، نزدیکی با دوستان، الفت دل‌ها، اتصال حقوق، تکثیر جمعیت و فزونی نسل برای سختی‌های روزگار و پیشامدهای امور؛ بس بود که خردمند تیزبین به آن راغب شود و انسان موفق و درستکار به آن پیشی گیرد و فرد ادیب خردورز به آن حرص می‌ورزد. از این رو شایسته‌ترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که از فرمان او پیروی کند و حکم او را گردن نهد و قضای او را امضا کند و به امید پاداش او باشد»

حضرت می‌فرمایند فرض کنیم هیچ آیه و روایتی در مورد ازدواج نبود؛ اما روشن است که ازدواج نتایج ارزنده‌ای دارد (که در ترجمه‌ی روایت آمده است). فارغ از ایجاد محبت و نزدیکی دل‌ها، ازدواج شبکه‌سازی گسترده‌ای را هم رقم می‌زند (تشبیه الحقوق).

یکی از مسائل در این زمینه این است که افراد بیش از جلوی پای خود را نمی‌بینند! و می‌گویند تا رسیدن بچه به سن ۱۰ تا ۱۵ سالگی چه کنیم؟ (از جهت تأمین هزینه و ...). سؤال اینجاست که اگر فرزند نداشته باشی، بعد از آن زمان چه خواهند کرد؟ در دوران میانسالی با شرایط تنهایی، سکوت، دل‌مردگی، پیه‌ویت، احساس عدم امید و ... چه خواهند کرد؟ تعبیر «تَوْفِيرِ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ» به چنین پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و عاطفی اشاره دارد. همه‌ی موارد ذکر شده در روایت زمینه‌ی تعالی انسان است؛ به همین جهت اشاره شده است که اگر آیه و روایتی در این زمینه نبود، همین دلایل کافی است تا هر انسان خردمندی با سرعت به سمت این هدف حرکت کند.

در مجموعه‌ی آیات و روایات از همان ابتدای شکل‌گیری نطفه، به



نقش فرزندان اشاره شده است. اما در نگاه سکولار قضیه متفاوت است. سکولارها ممکن است نهایتاً ازدواج کنند و صاحب فرزند هم بشوند؛ اما مرگ را نقطه‌ی پایانی این خانواده می‌دانند. ولی در نگاه دینی (در حقیقت نگاه آفرینش) انسان بعد از مرگ از بین نمی‌رود. حتی در حالت احتضار هم انسان نگران فرزندان خود (به جهت تأمین نیازهای اقتصادی و عاطفی) است (در روایات هم به این مطلب اشاره شده است). بعد از مرگ هم انسان مراحل مختلفی را پیش رو دارد؛ مانند برزخ، حشر در قیامت، عند الصراط، محاسبه اعمال و ... در همین لحظه‌ی احتضار، فرشتگان به محتضر بشارت می‌دهند که خداوند مراقب فرزندان خواهد بود. این نکته هم مهم است که با مرگ پرونده‌ی اعمال انسان بسته شده و او در حسرت یک عبادت می‌ماند؛ اما بواسطه‌ی فرزندان (و شبکه‌ای که نسل به نسل ایجاد می‌شود) به جهت هر نیت خیر فرزندان، والدین هم در ثواب آن شریک خواهند بود. البته در مورد نیت‌های بد فرزندان این شراکت صادق نیست. مگر آنکه خود والدین دلیل اصلی آن شر باشند و آگاهانه و با اختیار بخواهند شری ایجاد کنند.

در روایات تقسیم‌بندی‌هایی در مورد زنان انجام شده است. بعضی از آنها به گونه‌ای هستند که ارزش خاک را هم ندارند (زنان بهانه‌گیر، کم‌معرفت و لالایی). از طرف دیگر زنانی را واجد ارزش دانسته است که تحمل سختی‌های چند فرزندی را پذیرفته‌اند. در مراحل فرزنددار شدن هم روایات مطالب مختلفی را بیان می‌کنند. در مقدمات فرزندآوری (التذاذ همسران از یکدیگر) هم پاداش‌هایی ذکر شده است. سپس به مراحل مختلف بارداری (ماه‌های اول تا پایان) پرداخته و زن باردار را مانند مجاهد فی سبیل الله توصیف می‌کند. سپس به لگدهای فرزند به شکم مادر در ماه‌های میانی حاملگی اشاره می‌کند و برای هر صدمه، فشار و دردی (این درد تا درد زایمان) پاداش آزاد کردن برده قرار می‌دهد. (در زمان صدور روایت، برده‌داری





کتابنامه

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ق.

ابومخنف، لوط بن یحیی، مقتل الحسین ابی مخنف، تصحیح و ترجمه حجت الله جودکی، قم، انتشارات خیمه، ۱۳۹۳.

اجوبه الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه ای، بخش سقط جنین، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲، پیوند اینترنتی: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۱۱>، ۴۵۵۲.

اعتصامی، پروین، دیوان پروین اعتصامی، تهران: پرنیان، ۱۳۷۹.

انوری، پرویز بابایی، دیوان انوری، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۴.

پایگاه اینترنتی worldometers، صفحه abortion، پیوند: www.worldometers.info

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، ۱ جلد، دار الکتاب الإسلامی - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.

سید بن طاووس، ترجمه و متن کامل لهوف علی قتل الطفوف، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۹.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب (للعلوی) / الکتاب العتیق، ۱ جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۸ ق.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام





أمیر المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.

کاشانی، بهداروند، دیوان محتشم کاشانی، تهران: کتابراه، ۱۳۹۰.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.







سناد خانو او و جمعیت
سازمان تبلیغات اسلام

